

العقل الفقهي بين الإطلاق والتاريخية: نقد قاعدة الإشتراك

تاریخ مندی گزاره های دینی و از جمله احکام فقهی یکی از مهم ترین موضوعاتی است که در سال های گذشته توسط نوآندیشان دینی یا روشنفکران در جهان عرب و ایران مطرح شده و ذهن فقیهان را به خود مشغول داشته است و این در حالی است که جریان سنتی در اندیشه و فقه اسلامی، به هیچ روی آن را نمی پذیرد و باور به آن را با روایاتی مانند «حلال محمد حلال الی یوم القیامة» و حرامه حرام الی یوم القیامة» ناسازگار می داند.

انتشارات مؤسسه مؤمنون بلاحدود به تازگی کتابی را با نام العقل الفقهي بين الإطلاق والتاريخية: نقد قاعدة الإشتراك به قلم سید کمال الحیدری منتشر کرده است که می کوشد به پرسش هایی از این دست پاسخ دهد که: تاریخ مندی چه نقشی در فرایند اجتهاد دارد؟ فقیهان چگونه گزاره های تاریخی را تشخیص می دهند؟ آیا گزاره های فقهی مطلق اند؟ گزاره های تاریخی در فقه با چه روشی به دست می آیند؟

سید کمال الحیدری در این کتاب تلاش کرده است تا مفهوم تاریخی بودن را با رجوع گزاره ها به بستر فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عادات و رسوم و سنت هایی که بین مردم عصر نزول رواج داشته است، تبیین کند و چنین نتیجه می گیرد که بسیاری از احکام و موضوعات فقهی تاریخ مند هستند، بدین معنا که موضوعشان تنها مربوط به آن دوران بوده و امروزه منتفی شده است. او با ذکر این مقدمات، قاعده ای اشتراک را که به عنوان یکی از قواعد مشهور نزد عموم فقیهان به رسمیت شناخته شده است، به نقد گرفته و این ادعا که احکام فقهی، حتی با تغییر موضوع مورد ابتلا، شامل همه ی مکلفان می شود را نقد و بررسی می کند، چرا که باور به آن درست در نقطه مقابل مسأله تاریخمندی قرار دارد. ▶

- نویسنده: سید کمال الحیدری
- مترجم: ندارد
- ناشر: مؤمنون بلاحدود
- للدراسات والأبحاث
- سال نشر: ۲۰۲۳
- تعداد صفحات: ۶۹۰



قصور الإستشراق: منهج في نقد العلم الحدائی

کتاب شرق شناسی ادوارد سعید بدون شک یکی از جنجال برانگیزترین آثار نیم قرن اخیر است که از همان آغاز انتشارش واکنش های بسیاری را در محافل آکادمیک دنیا، اعم از غرب و شرق، به دنبال داشت. وائل حلاق، استاد دانشگاه کلمبیا، امریکا، که عمده تمرکزش در سال های گذشته بر تاریخ شریعت اسلامی و مسائل پیرامون آن بوده نقدی بر نگرش ادوارد سعید نسبت به شرق شناسی (به زبان انگلیسی) نوشته که در زبان عربی به قصور الإستشراق: منهج في نقد العلم الحدائی ترجمه شده است. حلاق در این کتاب گرچه در پاره ای از مواضع با سعید همسو است اما بسنده کردن به جوانب سیاسی شرق شناسی و ابعاد استعماری آن را موجب فراموش کردن بعد مهم دیگری که در پس شرق شناسی وجود داشته است می داند و آن بعد مهم عبارت است از سرچشمه های علم مدرن و جنبه های معرفت شناختی که پدیده شرق شناسی بر آن استوار شده است. بنابراین حلاق به وادی نقد و بررسی مبانی معرفت مدرن پای می گذارد تا دریابد که انسان مدرن چگونه به جهان می نگرد و این نگرش از کجا برآمده و هویت ما را به عنوان انسان های دوران مدرن تشکیل داده است. همچنین در پی آن است تا به پرسش هایی که از نگاه سعید مغفول مانده پاسخ دهد. سؤالاتی از این قبیل که: لازمه مدرن بودن چیست؟ این هویت چگونه بر ما چیره شده است؟ چرا با گسترش و پیشرفت علم و تکنولوژی در دنیای مدرن، اوضاع بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی ما هر روز به افول می گراید؟ چرا انسان مدرن بیش از ساختن به دنبال تخریب است؟ در این صورت پیشرفت و عقب ماندگی چگونه معنا می شود؟ حلاق در فصل نخست از جایگاه شرق شناسی سخن گفته و در فصول دوم تا چهارم درباره رابطه معرفت، قدرت و چیرگی کولونیاالیسم با نظری به تاریخ شرق شناسی نوشته و فصل پنجم را به پیشنهاد هایش برای بازسازی شرق شناسی و همچنین هویت اختصاص داده است. ▶

- نویسنده: وائل حلاق
- مترجم: عمرو عثمان
- ناشر: الشبكة العربية
- للأبحاث والنشر
- سال نشر: ۲۰۱۹
- تعداد صفحات: ۴۳۳

